

سینما درباره سلامت روان مخاطب چقدر مسئول است؟

23 مرداد 1401

حالات روانی انسان، موقعیت‌های دراماتیک انسانی، تحولات اجتماعی که اثرگذاری مستقیم بر سلامت جسم و روان انسان‌ها دارد، موقعیت‌های بحرانی که هیجانات و عواطف و رفتار و شناخت انسان‌ها را از خود متأثر می‌کند، مهم‌ترین سوژه‌هایی است که دستمایه فیلمنامه نویسان و نمایشنامه نویسان شده و می‌شود.

دنای سینما تا توانسته از هر آنچه مربوط به تحولات روانی انسانی است برای پرداختن به سوژه‌هایی ناب بهره برده است. شمار زیادی از اختلالات روانی به تنهایی توانسته‌اند شخصیت‌های ماندگاری را در سینما خلق کنند. بسیاری از رویدادهای تروماتیک مثل جنگ‌ها و حوادث طبیعی توانسته‌اند بهترین‌های سینما لقب بگیرند. در واقع سینما به انسان کمک می‌کند تا چالش‌های درونی خود را به گونه‌ای دیگر ببیند.

کاتارسیس یا پالایش و پاک کردن پس از دیدن یک اثر تراژیک از قدیم نزد هنرمندان عرصه نمایش مطرح بوده است و حتی حالا می‌توان گفت تا حدی این آثار توانایی این را دارند که با زیر و رو کردن هیجانات سرکوب شده مخاطب او را وادارند تا به تجربه هیجانی ناتمام خود پایان دهد که صحبت در این باره از مجال این نوشته خارج است.



اما سینما یک روی دیگری هم دارد. روی آسیب‌رسان! برخی از همین فیلم‌هایی که به نیت بازگویی یک [آسیب اجتماعی](#) یا میان فردی و... ساخته می‌شوند باید محدودیت‌هایی برای مخاطب خود قائل شوند. رده‌بندی سنی اساساً برای همین ایجاد شد چرا که هر مخاطبی، مناسب برای دیدن محتوای هر فیلمی نیست. نوع دیگری از رده‌بندی نیز وجود دارد که معمولاً به صورت هشدارهای جدی در آغاز فیلم‌ها مطرح می‌شود تا مخاطب را متوجه این کند که اگر آن هشدار شامل او می‌شود از دیدن آن دوری کند یا با آگاهی با اثر روبه‌رو شود. در جدیدترین فیلمی که این روزها روی پرده است و نیاز جدی دارد که هشدار برای مخاطبش به همراه داشته باشد اما هیچ نشانه‌ای از توجه به سلامت روان مخاطب ندارد، فیلم *علفزار* است. این فیلم که روایت دردناکی از موضوع تعرض است، به مخاطبان وسیع خود هشدار نمی‌دهد و مشخص نیست آیا اساساً گروه‌بندی سنی نیز در این میان رعایت می‌شود یا نه.

در زندگی همه انسان‌ها تروماهایی ممکن است رخ داده باشد که این رویدادها عمیقاً پریشان‌کننده یا نگران‌کننده است که توانایی فرد در مقابله را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، باعث احساس ناتوانی می‌شود و در درک طیفی از احساسات و تجربیات اختلال ایجاد می‌کند. از غم تا احساس گناه را افراد در مقابل تروماها تجربه می‌کنند و ممکن است حتی افراد را دچار اختلالات جدی مثل استرس پس از سانحه یا

استرس حاد کند. گرچه در تعیین ملاک‌های تشخیصی این اختلالات، مواجهه با این رویدادهای استرس‌زا از طریق رسانه‌های الکترونیک، تلویزیون، فیلم و... ملاک نیست و به خودی خود افراد را دچار اختلال نمی‌کند اما اگر افرادی پیش از این از موارد مشابه این چنین تروماهایی که سوژه فیلم‌ها می‌شود زمینه اختلال را داشته یا دچارش شده باشند، در مواجهه با چنین روایت‌هایی بار دیگر تجربه آسیب برایشان زنده می‌شود و ممکن است تا چند روز و چند ماه دوباره نشانه‌های [استرس](#) را تحمل کنند. برای تحمیل چنین استرسی به مخاطب آیا سازندگان این فیلم‌ها بر خود لازم می‌دانند هشدارهایی کامل و کافی را در اختیار مخاطبان قرار دهند؟ آیا دست‌اندرکاران سینما به الزام سینماگران برای رعایت جدی رده بندی‌های سنی و هشدارهای کافی در ابتدای فیلم، تبلیغات فیلم یا محیط نمایش فیلم توجه می‌کنند؟ باید تأکید کنم منظور از این توجه جدی تمام آثار دراماتیک سینمایی نیست بلکه فیلم‌ها و آثاری است که به طور مشخص دست روی تروماهایی می‌گذارند که در زندگی می‌تواند یک فرد را تا آستانه اختلال استرس پس از سانحه پیش ببرد. این هشدارها جدی است چرا که توجه به سلامت روان مردم امر مهمی است.

*آزاده سهرابی / روانشناس